



۲۰۱۸/۱۱/۲۵



دوکتور محمد اکبر یوسفی

## خشونت علیه زن نفرت انگیز است!

جنبش "روشنگری" در اروپا، حیات اجتماعی را از ریشه تغییر داد و جهان نوی را، بنیاد نهاد. درین جنبش، از همان لحظات



Olympe de Gouges (1748-1793)

نخست، در مبارزه علیه خرافات و بخاطر آزادی انفرادی انسان و حقوق بشر، زن و مرد، در یک صف اشتراک داشته اند. در جمله زنان پیشرو، نام "اولمپ دو گروپ" یک زن انقلابی، نویسنده، حامی حقوق زن، مؤلف آثار هنری و "تئاتر" در عصر و زمان "روشنگری"، در تاریخ برای همیشه باقی خواهد ماند. آن زن نامدار در خواسته های سیاسی خود، بر "بلاغت سیاسی" و "تساوی حقوق زنان" که هدف از آزادی های قانونی سیاسی، مساوی با مردان بوده است، تأکید می ورزیده است. از او هم چنان به عنوان تدوین کننده اعلامیه در باره حقوق زنان و شهروندان، در سال ۱۷۹۱م، در پاریس یاد کرده اند. تاریخ اروپا و جهان غرب، به آثار علمی آن دانشمندان پیشرو بديده قدر و به عنوان رهنمود می نگرند. اصطلاحی که در زبان آلمانی ذکر شده است، با معنی «بلوغیت» یا رسیدن به سن

"پختگی" مطابقت بیشتر نشان می دهد. تا آن زمان نظام های سیاسی در حقیقت عموم جامعه یا اتباع عادی را، از حق آزادی در سیاست محروم نگه داشته، در خطاب به آنها، مفهوم "صغیر" و برخی ها حتی با کمال بی شرمی و روا داشتن بی حرمتی به زن شریف، از استعمال کلمات، "ناقص العقل" در برابر "آنان" استفاده می نموده اند.

بهمین ترتیب، اصطلاح آلمانی را که این نویسنده بمعنی "روشنگری" می فهمد، در زبان انگلیسی، بیشتر با مفهوم **elucidation** و **reconnaissance** نیز یاد شده می تواند، که باز هم، معانی "توضیح"، "روشن سازی"، "شناسایی" و "اکتشاف" از آن افاده می گردد. در جریان پروسه "روشنگری" در اروپا، که، علیه نقش "کلیساها" و بخصوص علیه "کلیسای کاتولیک"، شدت بیشتر داشته است، زیرا، این جنبش خواستار "سیستم سیکولار"، بجای قدرت "کلیساها" در نظام سیاسی بوده اند. اداره "کلیساها" که سخت تحت فشار قرار داشته اند، از طریق پیشوایان مذهبی آنها، از شخص "ایمانویل کانت"، خواهان تعریف و توضیح این اصطلاح شده اند.

فیلسوف معروف آلمانی، "ایمانویل کانت"، بدین عبارت تعریف مختصری را ارائه می دارد "روشنگری نقطه خروج انسان از مقروضیت خودی، صغیر بودن اوست. صغیر بودن عدم قابلیت است، که خود، فهم خود را بدون رهنمایی کدام کس دیگری، بکار اندازد. مقروضیت خودی، همین صغیر بودن است، که عین علل، نه در فقدان درک و فهم، بلکه در تصمیم و جرأت نهفته است، که از آن، بدون رهبری کس دیگر در خدمت گرفته شود." درین جا ضمناً با ذکر تکیه کلام "لاتینی"، معنی آنرا بزبان

آلمانی چنین بیان می‌کند: "جرات داشته باش، تا از فهم خودت کار بگیری! این هم در عین حال شعار روشنگری محسوب می‌گردد."

اینرا هم می‌دانیم که با انقلاب فرانسه در کلتور سیاسی و حیات انسانی، بخصوص در بخش آزادی‌های "انفرادی" قدم‌های اساسی برداشته شده است. در جامعه آلمان، با "انقلاب ۱۸۴۸/۴۹"، زنان نامدار دیگری هم در آنکشو، با مفکوره‌ها و اندیشه‌های وسیعتر آنها، جنبش زنان را در راه آزادی‌های سیاسی و اجتماعی تقویت بخشیده‌اند. درینجا، نام‌های چون "کاتینکا خیتخ" (Kathinka Zitz)، «ماتیلده هیتسفیلد» (Mathilde Hitzfeld) و «ماتیلده فرانسیسکا انیکه» (Mathilde Franziska Anneke)، از جمله شخصیت‌های قوی و مؤلفین یاد شده‌اند. آنها برای آزادی سیاسی زنان و یا برای "بلاغت"

## Kathinka Zitz-Halein

Dichterin



Katharina Therese Pauline Modesta Zitz, geb. Halein, genannt Kathinka Zitz-Halein war eine deutsche Schriftstellerin. Zitz, die die meiste Zeit ihres Lebens in Mainz verbrachte und dort den späteren Revolutionär Franz Heinrich Zitz heiratete, engagierte sich auch gesellschaftlich und gründete 1849 den „Humania-Verein für vaterländische Interessen“.

Wikipedia

Geboren: 4. Nov 1801 - Mainz, Deutschland

Gestorben: 8. Mrz 1877

Teilen

"کاترینا تیریزه یاولین مونسئا خیتخ - هالین در هالین متولد و به «کاتینکا خیتخ - هالین» مسمی بوده است. یک نویسنده آلمانی، "خیتخ"، که اکثر اوقات زندگی خودش را در "ماینس" گذرانده است، با "فراخ هاینریش خیتخ" انقلابی ازدواج نموده، در فعالیت‌های اجتماعی سپیم بوده، در سال 1849م "اتحادیه هیومانی" را برای منافع پدر وطن "تئیس" نموده است او متولد 4 نومبر 1801م در "ماینس" آلمان بوده و بتاريخ 8 مارچ 1877م، وفات یافته است.

## Mathilde Hitzfeld



Mathilde Hitzfeld war eine pfälzische Freischärlerin in der Märzrevolution 1848/49. Sie war die Tochter des Kantonsarztes Ludwig Hitzfeld, einem der aktivsten Verfechter der Demokratie in der Bayerischen Pfalz.

Teilen

"ماتیلده هیتسفیلد" دختر "تودویگ هیتسفیلد" یک داکتر "کاکتن" (محل)، یکی از فعالین و مبارزان راه دیموکراسی در "فلخ" "یاوریا" بوده است. او متولد اول سپتمبر 1826م در آلمان و متوفی در 1905م در ایالات متحده آمریکا)

آنها، که تساوی حقوق، تعلیم بهتر، افکار ملی ضد پادشاهی یا حاکمیت‌های فردی و در ضدیت با تشکیل دولت‌های متعدد، و هم برای مناسبات، فارغ از هر نوع تبعیض در برابر آنها، بوده‌اند. طوری که از چند سطر مختصر از زندگینامه‌های این زنان که درین فرصت کوتاه تهیه شده است، بر می‌آید، که آنها، در عصر و زمان «روشنگری» برخلاف

1817م "تیروکپوفل" و ژوردالیست آلمانی و نومبر 1884م در در



"ماتیلده فرانسیسکا انیکه" (Mathilde Franziska Anneke) متولد 4 اپریل (Sprockhövel) آلمان، در نزدیکی محل تولد "فریدریش اینگنز"، یک نویسنده یکی از شخصیت‌های رهبری جنبش زنان امریکایی بوده است و بتاريخ 25 "میلواکی" (Milwaukee, WI) وفات یافته است.)

آنچه امروز، با تأسف در کشور ما، جریان دارد، در آلمان، کتگوری اجتماعی زن را در مجموع در دشمنی با مردها، مطرح نمی‌داشته‌اند، بلکه بر ضد مناسبات سیاسی ای که رژیم‌های خود کامه و مستبد، از آنها، این حقوق را گرفته بودند، مبارزه می‌نموده‌اند. درین راه مردان انقلابی که هم چنان از آن مناسبات نا سالم و غیر عادلانه، متضرر و متأثر بوده

اند، درین مبارزه آنها، همونوا بوده اند. مو خوشونت علیه زنان افغان، به انجام مکلفیت های وسیع انسانی نیازمند است. این امر خیلی ضروری است، که در یک مقاله نمی توان توضیح نمود. ما که به ختم جنگ نیازمند استیم، باید بدانیم، که در حال حاضر افراد معین فاسد و منحرف مغرض، بطور عام کتگوری های اجتماعی و پیروان مذهبی را علیه هم، دشمن معرفی می کنند. این افراد از جمله بدترین منحرفین و "راسیست های" جنایت پیشه شمرده می شوند.

در مناسبات اجتماعی و سیاسی، "تساوی حقوق"، بین زن و مرد، باید تحقق بخشیده شود. در برابر کار مساوی باید مزد مساوی پرداخته شود. منع خشونت، نه با توصیه، بلکه بمثابه جرم، باید تحت پیگرد و تعقیب جدی قانون قرار گیرد. تطبیق همچو قانون باید در صدر همه قوانین مورد مواظبت قرار گیرد، تا هیچ دستی جرأت بلند شدن را، بسوی زن، در ذهن خود جا داده نتواند. در حال حاضر برخورد خشن در برابر زن، خیلی غم انگیز و وحشیانه است. در طی هزاران سال، با عبور از مراحل ابتدائی، دوران وحشت، وقتی اگر مراحل "مادر سالاری" را با آنچه که امروز بنام "مدرنیزم" یاد می کنیم مقایسه شود، زمامداران "پدر سالاری" و رژیم های مستبد، دیکتاتور و "تمام شمول" (توتالیتتر) شایسته نرفت و محکومیت عظیم اند، که از یک طرف ادعا های متمدن بودن را بزبان می آورند، از جانب دیگر، با زن که در یک وقت مادر و در یک مرحله دیگر یک زن همسر است و هم چنان مادر فرزندان بوده می تواند، همچو برخورد های جنائی را متحمل می شوند. خجالت را باید، آن محافل قدرت بکشند، که حرف از تمدن و حقوق بشر، بزبان می آورند، اما رفتار جنایتبار را در برابر زن، که با چنین فرهنگ نا سالم برخورد صورت می گیرد، چشم پوشی می کنند و یا نا دیده می گیرند. هدف این نویسنده تنها محدود به وقایع دردناک در زندگی خانواده ها در اجتماعات و کلتور های مختلف نیست. مسایل اجتماعی باید، حل ریشه یی بیابد و آن اینکه برای زن و مرد زمینه ها و چانس مساوی تعلیم نیز فراهم آید. اقدامات باید در قدم اول در بخش، تأمین "آزادی" اقتصادی زن و مرد، در زندگی مشترک، فراهم سازد. این مناسبت باید عمومیت کسب کند. از جانب دیگر باید در تربیت اطفال چه در خانواده و چه در سیستم اجتماعی باشد، فرق بین پسر و دختر نیز وجود نداشته باشد... بد رفتاری ها، با اشکال مختلف در جمعیت های پیرو مذاهب و ادیان، در طی نسل ها، بر طبق "قوانین اخلاقی" توضیح گردیده، در تحت نام اوامر و "وحی" های "الهی" تبلیغ نموده اند، اما با قرار دادن "زن ها" در مواضع نا برابر که نیمی از جامعه را تشکیل می دهد، بر مصیبت های انسانی و بخصوص، در حیات روزمره زنان افزوده است. با چنین یک وضعیت رنج آور، به اطفال، اعم از دختر و پسر، نیز، جنایات و نابسامانی ها را، روا می دارند.

پایان



تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با اجرای "کلیک" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به فهرست "آرشیف" شان رهنمائی شوند!